



از جان دادن به روایت تا روایت جان دادن

نقد و بررسی روایت‌گری در یادمان طلاییه

تهیه و تنظیم: گروهی از کارشناسان
مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

مقدمه

در راهیان نور چه اتفاقی در حال وقوع است؟

می‌توان گفت که بزرگ‌ترین حرکت فرهنگی جمهوری اسلامی در قالب راهیان نور هر ساله در حال برگزاری است. زائران در بستر معرفتی راهیان نور، ارزش‌هایی را که برگرفته از سیره رزمندگان و فرماندهان در هشت سال دفاع مقدس است، در فضای معنوی و معرفتی به‌عنوان الگو و نماد رفتاری می‌پذیرند و به‌نوعی در راهیان نور هنجارسازی فرهنگی شکل می‌گیرد. به‌واسطه همین نقش هنجارسازی فرهنگی است که ادعا می‌شود هر ساله بزرگ‌ترین حرکت فرهنگی جمهوری اسلامی در راهیان نور اتفاق می‌افتد و این، ادعایی به‌حق و بجا است.

هشت سال دفاع مقدس ملت ایران که به‌عنوان نماد ایستادگی و مقاومت مردم در برابر دشمنان شناخته می‌شود، باید به‌عنوان یک حماسه تاریخی، ملی و مذهبی و تمدن‌ساز برای نسل‌های آینده بازگو و فرهنگ‌سازی شود و این امر خطیر و طرح استراتژیک فرهنگی می‌تواند در بستر راهیان نور به‌بهترین وجه محقق شود. مسلماً حرکت خطیر راهیان نور نقش مهمی در حفظ و نشر فرهنگ غنی دفاع مقدس خواهد داشت. به‌جرت

از حماسه بزرگ دفاع مقدس است، آسیب‌های پرخطر و جدی‌ای در کمین این مجموعه و به تبع آن انعکاس هشت سال جنگ تحمیلی به‌عنوان مقطع مهم تاریخ معاصر ایران قرار دارد. آفت‌هایی مانند تحریف، تناقض، اغراق و حتی دروغ که حیثیت و اعتبار ارزشی این حرکت مهم و اثرگذار را در کشور خدشه‌دار کرده است. مشاهده وضعیت فعلی روایت، رسالت مجموعه‌های مرتبط با دفاع مقدس در زمینه یاری‌رساندن به مجموعه راهیان نور و پرداختن به مقوله راویان و روایت‌گری است. با توجه به اینکه هدف ما بررسی وضعیت روایت‌گری در یادمان طلائی بوده است، آنچه در این مقال به آن پرداخته شده، زمینه‌سازی برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها است که در حال حاضر در طلائی‌ها راویان چه چیزی را روایت می‌کنند؛ معیارهای روایت مطلوب در طلائی چیست؛ و آیا روایت‌های فعلی در شأن عظمت و بزرگی دفاع مقدس می‌باشد؟

نقش مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس با توجه به سابقه سی و چندساله خود در زمینه دفاع مقدس و پژوهش‌های مربوط به آن، می‌تواند نقش مؤثری در مدیریت محتوای روایت راویان داشته باشد و به روایت مطلوب آنان کمک کند. در راستای زمینه‌سازی و کمک به تقویت کیفی و علمی محتوای روایت راویان در راهیان نور و جلوگیری از تحریف تاریخ دفاع مقدس، پژوهشگران مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در اسفند ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ با سفر به خوزستان و استقرار در یادمان‌های چهارگانه شلمچه، طلائی‌ه، ارونه و هویزه، ضمن شنیدن اکثر روایت‌های راویان مستقر و بعضاً کاروانی، به ثبت و ضبط آنها پرداختند و پس از بررسی و ارزیابی، در اولین اقدام، مطالب مربوط به آسیب‌شناسی روایت راویان در راهیان نور در ویژه‌نامه نگین

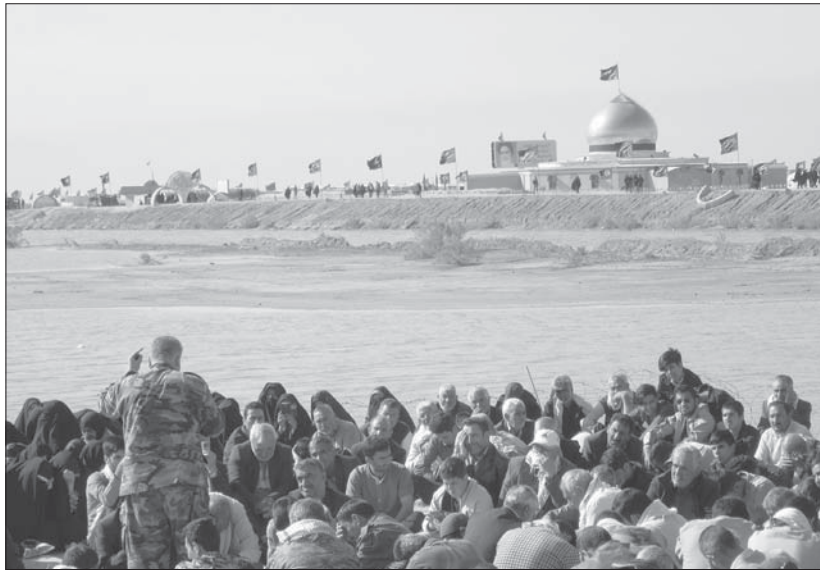
اگر در فرمایش‌های رهبری معظم انقلاب درباره راهیان نور تأمل کنیم، به اهمیت و نقش ویژه راهیان نور پی خواهیم برد. مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان راهیان نور کشور، ابتکار بازدید از مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدس را ابتکار الهی و انقلابی بسیار شایسته در جهت شناساندن اجزای برجسته حادثه بزرگ و تاریخی دفاع مقدس به مردم و نسل جوان کشور دانسته، تأکید کردند: «نخبگان، فرزندان و دست‌اندرکاران عرصه دفاع مقدس، با شناساندن دقیق این ذخیره و گنجینه فرهنگی اجازه ندهند این حماسه دستخوش فراموشی و تحریف شود.»

درواقع رهبری انقلاب در این بیانات، هم اهمیت راهیان نور را برشمرده‌اند و هم نقش نخبگان را در این زمینه که جلوگیری از تحریف و فراموشی است، بیان کرده‌اند.

هنجارسازی در راهیان نور با علم، بصیرت و معرفت به وجود می‌آید و نه صرفاً با احساس. اینجاست که به اهمیت نقش راویان و چگونگی روایت‌گری بیش از گذشته پی می‌بریم. راهیان نور در واقع سه عنصر اصلی دارد: ۱. یادمان و منطقه عملیاتی. ۲. زائر. ۳. راوی.

به نظر می‌رسد در این بستر مهم فرهنگی، باید تأمل و تأکید بیشتری درباره راویان جنگ شود؛ چراکه محتوای اصلی راهیان نور با چگونگی بیان راوی از جنگ و دفاع مقدس و شهدا و انقلاب اسلامی، ارتباطی ویژه دارد. روایت‌گری یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌ها و نقش‌های راهیان نور است که باید اهتمام بیشتری به آن شود. یکی از موضوعات اساسی در این زمینه، توجه ویژه به کیفیت محتوا و مستند و دقیق بودن روایت‌گری و همچنین هدفمند بودن آن است که با تکیه بر پژوهش و مطالعه به دست می‌آید.

امروز از «روایت‌گری راهیان نور» در کشور به‌عنوان یک پدیده فرهنگی یاد می‌شود. این پدیده مهم اگرچه برخاسته



روایت راویان برای کاروان‌های راهیان نور، یادمان شهدای عملیات خیبر در طلائیه، اسفند ۱۳۹۴.

میثمی جمله معروفی با این مضمون که "هر کس در طلائیه ایستاد، اگر در کربلا هم می‌بود، می‌ایستاد" نقل شده است که نشان می‌دهد جنس مقاومت در خیبر و طلائیه عاشورایی و حماسی بوده است. پس از پایان جنگ، در طلائیه که محل عروج و آسمانی شدن رزمندگان اسلام به شمار می‌رود، مفری برای تفحص و جست‌وجوی پیکرهای شهدا دائر و حسینیه‌ای به نام حضرت ابوالفضل^(ع) در نقطه‌ای که تعداد زیادی از شهدای طلائیه کشف شدند، بنا شد که در آن مقبره پنج شهید گمنام قرار دارد. سهراهی شهادت نیز عنوان یک مفهوم جغرافیایی در یادمان طلائیه است که معمولاً محل تجمع کاروان‌های راهیان نور و روایت‌گری جنگ می‌باشد.

چارچوب روایت یادمان طلائیه

قبل از آسیب‌شناسی روایت راویان در طلائیه، اشاره کوتاهی به چارچوب روایت مطلوب در طلائیه خالی از لطف نیست؛ زیرا اغلب روایت‌ها بدون قالب و چارچوب

که فصلنامه تخصصی مرکز است، چاپ و منتشر شد. پژوهشگران مرکز امسال نیز پس از موشکافی روایت‌های شاخص در یادمان‌های پربازدید چهارگانه، به بررسی معیارهای روایت‌گری در این یادمان‌ها پرداختند. این مقاله نیز حاصل تلاش دوستان مرکز در جهت کمک به ارائه مؤلفه‌های روایت مطلوب در طلائیه است که امیدواریم راهگشا باشد. جا دارد تأکید شود که منبع مطالب این مقاله، متن روایت‌های راویان در یادمان موردنظر است.

یادمان طلائیه

طلائیه در جنوب غربی دشت آزادگان در استان خوزستان واقع شده است. این منطقه جایگاه وقوع عملیات خیبر و بدر در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ است که نام آن با جزایر مجنون گره خورده است. مقاومت بی‌نظیر رزمندگان اسلام در طلائیه با صحنه‌های حماسه و ایثار خیره‌کننده همراه بوده که در تاریخ دفاع مقدس ثبت شده است. از شهید عبدالله

ب) سیر کلی جنگ

راوی سعی کند به صورت مختصر به رویدادهای جنگ در طلائی به تاملات خبیر اشاره کند؛ اینکه چه اتفاقاتی افتاد و در جنگ چه مسیری طی شد تا به خبیر رسید و چه شد که در سال ۱۳۶۲ تصمیم گرفته شد در هور عملیاتی اجرا شود. پاسخ‌های به این پرسش‌ها زائر را با سیر جنگ آشنا می‌کند و پاسخ‌های کوتاه راوی در این زمینه به صورت مقدمه‌ای راهگشا در روایت نقش مهمی در روشن شدن ذهن مخاطب خواهد داشت.

ج) تشریح عملیات

راوی باید مطالب مربوط به عملیات‌های شاخص هر یادمان را به طور مختصر بیان کند. نبردهای مهم هر یادمان در تاریخ جنگ هشت‌ساله ثبت و ضبط شده‌اند. راوی باید مهم‌ترین عملیات‌هایی را که در آن منطقه به وقوع پیوسته است برای مخاطبان خود به صورت مختصر و با در نظر گرفتن ابعاد مهم توضیح دهد. به طور مثال عملیات‌های خبیر و بدر مربوط به یادمان طلائی است و راوی باید در خصوص این دو عملیات مباحثی را مطرح کند. البته مقدار مطالبی که راوی در این بخش روایت می‌کند باید متناسب با وقت کاروان و حوصله و سطح فکری مخاطب باشد. هدف عملیات، محورهای عملیات، یگان‌های تعیین‌کننده در عملیات، حوادث خاص و ابتکارات در اجرای عملیات و مطالبی از این دست از آن جمله است. البته بسته به نوع مخاطب و نیاز او مطالب این بخش می‌تواند به صورت بسیط یا خلاصه مطرح شود. به طور مثال دانشجویان دافوس ارتش و سپاه مسلماً در روایت‌ها بیشتر مایل به شنیدن ابعاد و جزئیات عملیات‌ها خواهند بود. یا بالعکس در کاروانی که اعضای آن را دانش‌آموزان دختر تشکیل می‌دهند، پرداختن به جزئیات عملیات نمی‌تواند چندان مفید باشد، بلکه در این موارد راوی باید با بیانی رسا و گیرا به کلیاتی از عملیات بسنده

مشخص بیان می‌شوند. از این رو، در بخش اول نوشته سعی شده است چارچوب کلی روایت یادمان طلائی ارائه شود که می‌توان مطالب دیگری غیر از آنچه در ادامه می‌آید، به آن اضافه کرد تا به غنای کار بیفزاید و همچنین از نظرات کارشناسان و استادان در جهت تکمیل آن بهره برد.

الف) جغرافیای منطقه

در بخش اول روایت، خوب است راوی اطلاعاتی را درباره جغرافیای منطقه و سابقه آن در طول جنگ به مخاطبان بدهد. در این بخش مخاطب باید متوجه شود که کجا قرار گرفته است؛ اهمیت سرزمینی طلائی چیست و چه جایگاهی دارد؛ موقعیت جغرافیایی منطقه و عوارض طبیعی زمین منطقه چگونه است؛ و در گذشته چه حوادث مهمی در آن اتفاق افتاده است؟

برخی از راویان از قول منابع عراقی به بیان آمار و ارقام درباره حجم آتش و بمباران توپخانه دشمن در طلائی می‌پردازند که در صحت و سقم آنها جای تردید وجود دارد. یکی از راویان، تعداد گلوله‌های دشمن را ۸۰۰ هزار عنوان می‌کند و راوی دیگری تعداد آن را یک میلیون می‌داند.

روشن شدن این موضوعات در ذهن مخاطبان به درک بهتر روایت کمک می‌کند و ارتباط مخاطب با منطقه یادمانی از همین جا شروع می‌شود. پس راوی باید مخاطب را با منطقه‌ای که در آن قرار دارد، آشنا کند. مخاطب به دلیل ذهن جست‌وجوگر، در اولین مواجهه با پدیده‌های جغرافیایی و تاریخی می‌پرسد کجا هستیم؟ راوی باید این نیاز را با کوتاه‌ترین جملات پاسخ دهد و روشن کند که مخاطب کجا قرار گرفته و اهمیت آن چیست.

بوده است. راوی می‌تواند مطالب فراوانی را درباره ابعاد مختلف این عملیات برای مخاطبان بیان کند که در اینجا به برخی از مهم‌ترین سوزها در این باره اشاره می‌کنیم:

۱. اهمیت و جایگاه استراتژیک طلائی و جزایر مجنون.
۲. سیر کلی اتفاقات جنگ در طلائی از سال ۱۳۵۹ تا عملیات خیبر و بدر.
۳. عملیات خیبر، نماد ابتکار و خلاقیت در طراحی و اجرا؛ اولین عملیات آبی - خاکی.

۴. قرارگاه نصرت و شناسایی عمیق و دقیق در هور؛ و شهید علی هاشمی.
۵. اهمیت جزایر مجنون.
۶. بمباران شیمیایی دشمن و جنگ شهرها؛ نماد مظلومیت ایران در جنگ.
۷. سختی‌های جنگ؛ عملیات رزمندگان در هور و باتلاق و مواجهه با حجم سنگین آتش دشمن و ...
۸. خیبر، پایان بن‌بست در جنگ.

ب) موضوعات حماسی - معرفتی:

راوی در این بخش باید بکوشد با تشریح برخی از ابعاد حماسی جنگ، مباحث معرفتی را به ذهن مخاطب افاده کند. در میان مباحث ذوقی که راویان باید متناسب با نیاز مخاطب در طلائی به آنها توجه کنند، می‌توان به نقاط عطف زیر اشاره کرد که راویان با هنرمندی و پرداختن به جزئیات آنها، به ایجاد فضایی معنوی و معرفتی در مخاطبان کمک می‌کنند:

کند. در روایت‌های راویان راهیان نور، ضعف و کمبودهای بسیاری درباره مباحث نظامی و عملیاتی مشاهده می‌شود. نکته حائز اهمیت در این بخش این است که هر چند معتقدیم راویان باید به تناسب نیاز مخاطب در این مقوله مطالبی را بیان کنند، همین مقدار هم باید دقیق و مستند روایت شود؛ چراکه به تاریخ جنگ هشت‌ساله عراق و ایران مرتبط است و ممکن است راوی ناخواسته دچار تحریف تاریخ دفاع مقدس شود.

د) حماسه

طلائی را به دلیل جنس حوادث به وقوع پیوسته، سرزمین مقاومت یاران خمینی نامیده‌اند. بدر و خیبر دو عملیات سخت جنگ است که در این جغرافیا اتفاق افتاده و در واقع نماد ابتکار و خلاقیت در طراحی و قدرت و حماسه در عبور از هور است. روزهای مظلومیت و مقاومت غریبانه یاران امام خمینی^(ع) در طلائی صحنه‌های حماسی فراوانی خلق کرد که باید با هنرمندی در بیان راوی برای مخاطبان راهیان نور ترسیم شود. راوی در این بخش باید متناسب با نیاز و شناخت مخاطب، قسمت‌هایی از این حماسه‌های به یادگار مانده در طلائی را تشریح کند.

نقاط عطف روایت در طلائی

مسئلاً چارچوب منسجم همراه با محتوای خوب تأثیر زیادی در کیفیت بخشی به روایت‌های راهیان نور خواهد داشت. بعضی نقاط عطف جنگ در یادمان طلائی برای روایت به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود:

الف) موضوعات عملیاتی - نظامی

عملیات بدر و خیبر از عملیات‌های بزرگ دفاع مقدس است که یادمان طلائی بهترین مکان برای روایت‌گری درباره آنها است؛ چراکه یکی از محورهای اصلی و مهم این دو عملیات

یکی از راویان لشکر ۳۱ عاشورا در یادمان طلائی: تا حمید باکری زنده بود، دشمن جرئت حمله گسترده را نداشت و به محض شهادت ایشان، فشار را زیاد کرد.



روایت راویان برای کاروان‌های راهیان نور، یادمان شهدای عملیات خیبر در طلاییه، اسفند ۱۳۹۴.

۵. تدبیر و عقلانیت در جنگ

یکی از نقاط قوت در روایت‌های راهیان نور، پرداختن به موضوع عقلانیت در جنگ است. بسیاری از راویان، اتفاقات بزرگ جنگ را صرفاً در پرتو امدادهای غیبی و الهی تشریح کرده، به جنبه‌های عقلانیت فرماندهان و رزمندگان و تلاش‌ها و تدبیرهای آنان کمتر توجه می‌کنند. مسلماً پرداختن به جنبه‌های مدیریت و تدبیر رزمندگان در عملیات‌ها در کنار توسل و توکل آنها، برای مخاطبان راهیان نور جذاب و شنیدنی خواهد بود.

"پل خیبری"، "شناسایی در عمق" و "پیش‌بینی فرماندهان درباره تحرکات دشمن" موضوعات مهمی در عملیات خیبر است که برای پرداختن به عقلانیت در جنگ زمینه‌های زیادی برای روایت دارند. حاشیه این موضوعات، سراسر نبوغ و ابتکار و خلاقیت است که در خاطرات فرماندهان و رزمندگان در عملیات خیبر بیان شده است و راویان باید با پرداختن به آنها، عقلانیت و تدبیر در جنگ

همین مبنای اعتقادی شیعه، حوادث حماسی عملیات‌ها را هنرمندانه با عاشورا و امام حسین^(ع) مرتبط کنند. اوج ارتباط حماسی بین عاشورا و جنگ در رویدادهای یادمان طلاییه جایی است که در یکی از شب‌های عملیات خیبر و در شرایط سخت مقاومت، شهید حسین خرازی با تأسی از ابا عبدالله الحسین^(ع) در شب عاشورا، یاران و هم‌زمان خود در لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) را به دور خود جمع و آنها را در رفتن یا ماندن مخیر می‌کند (راویان پارسا، اسماعیل زاده و نری میسا، اسفند ۱۳۹۴، طلایه).

۴. سبک زندگی اسلامی بر اساس سیره شهدا

بعضی از راویان در روایت خود با اشاره به سیره شهدا، ابعاد موفقیت شهدا را در قالب سبک زندگی اسلامی به مخاطبان خود ارائه می‌دهند. ابعادی از زندگی شهدا که راوی شرح می‌دهد عمدتاً شامل توجه به نماز و قرآن، تواضع، خلوص در نیت و عمل، تکلیف‌گرایی و ولایت‌مداری و... است.

۱۰. پاسخ به شبهات و بصیرت‌افزایی

دلایل آغاز، ادامه و پایان جنگ، هدر رفتن خون شهدا، بحث امواج انسانی (تلفات بیجا)، بی‌برنامه‌جنگیدن، ناکارآمدی نظام و انقلاب و... را می‌توان در دل روایت‌ها جای داد و پاسخ‌های مستدل برای مخاطب بیان کرد. راوی باید حین روایت‌گری به شبهات اساسی و پرسش‌های مهم درباره جنگ تحمیلی اشاره کند و در جهت پاسخ به آنها دلایل متقن و قابل قبول بیاورد.

یک شبهه کلیدی که طلائی‌مه محل خوبی برای پاسخ به آن است و برخی از روایان به آن می‌پردازند این است که ما "بی‌برنامه در عملیات‌ها می‌جنگیدیم". دلیل رد این شبهه که برخی از روایان آن را به‌خوبی در روایت‌ها تبیین می‌کنند، بحث شناسایی دقیق و گسترده و طولانی‌مدت در هور است که به‌همت

یکی از روایان روحانی سیره تفحص شهدا در یادمان طلائی‌مه: «اینها بدن‌هاشان همین‌طوری پاره‌پاره، زیر تیر این شیلیک‌ها و ضد‌هوایی‌های دشمن تکه‌تکه شدند، گوشت تن اینها مثل اینکه چرخ شده باشد، قطره‌قطره خون‌هایشان پخش می‌شد روی این بچه‌ها.»

نیروهای قرارگاه نصرت قبل از عملیات خیبر انجام شد. عمق شناسایی به حدی بود که برخی از عوامل شناسایی تا کربلا هم رفتند و برگشتند. مباحث مربوط به این شبهه اساسی، به‌خوبی در روایت آقای اسماعیل‌زاده (اسفند ۱۳۹۴) مشهود است. یا در روایت دیگری آقای بخشی‌نیا شبهه چرایی ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر را به‌خوبی تشریح کرده است (اسفند ۱۳۹۳). پاسخ مستدل و جامع به چنین شبهاتی، از نقاط قوت در روایت‌گری راهیان نور محسوب می‌شود.

نماز و سجود بوده‌اند. این نوع نگاه سبب می‌شود مخاطب نتواند با الگوی معرفی‌شده توسط راوی به‌خوبی ارتباط برقرار کند؛ چون مخاطب جوان، کمتر شباهتی بین خود و الگو می‌بیند. در صورتی که واقعیت این نبوده است و بعضاً رزمندگان در جبهه‌ها شیطنت‌هایی هم داشته‌اند و در میان آنها افراد معمولی و عادی زیاد بوده‌اند که البته زمینه‌های معرفتی بالا و تواضع نسبت به مفاهیم دینی داشته‌اند. حجت‌الاسلام قرایی در روایت خود این جنبه از شخصیت رزمندگان را به‌خوبی در قالب خاطرات طنز بیان کردند (راوی قرایی، اسفند ۱۳۹۳).

۹. بیان واقعیات جنگ

روایان در روایت‌ها باید بکوشند به جنبه‌های واقعی جنگ نظیر سختی مقاومت در جبهه‌ها و مظلومیت رزمندگان اسلام با چاشنی حماسی و معنوی بپردازند. انبوه دشمن، مظلومیت ملت البته با قید رعایت عزت، کارآمدی رزمندگان، نقش ولایت فقیه، نقش مردم، نقش مسئولان و فرماندهان، حامیان صدام و... مواردی است که تشریح جزئیات آنها می‌تواند در بیان روایت خوب و جاذب به روایان کمک کند. یکی از واقعیات جنگ که در روایت طلائی‌مه جلوه دارد، نقش خاص فرماندهان است. در عملیات خیبر به دلیل شرایط سخت عملیات و حساسیت اهداف آن، فرماندهان عالی عملیات در سطح لشکرها و قرارگاه‌ها، در خط مقدم پیشاپیش رزمندگان مشغول رزم بودند (راوی اسماعیل‌زاده، اسفند ۱۳۹۴). هر چند در عمده عملیات‌های دوران دفاع مقدس، فرماندهان در خط مقدم، مسئولیت هدایت نیروهای خود را بر عهده داشتند، این حضور در عملیات خیبر ویژه‌تر و خاص‌تر بود. و شاید یکی از دلایل عمده شهادت تعداد زیاد فرماندهان در این عملیات هم همین عامل بوده است.

۲. اظهارنظرهای سیاسی

راویان باید سعی کنند جنگ را فراجناحی و به صورت ملی و از نظرگاه جنگ مردمی تحلیل کنند. به طور مثال یکی از راویان در جمع کاروان شهرداری منطقه ۷ تهران با خطاب قراردادادن یک گروه خاص سیاسی، مدعی می‌شود که آنها "شهید مهدی باکری" را آزرده بودند (ج.ک، ۱۳۹۴/۱۲/۱۵). راوی در ادامه به شماتت و سرزنش این گروه سیاسی می‌پردازد و فضای روایت را به سمت وسوی جناحی سوق می‌دهد. راوی دیگری در جمع کاروان دانشگاه پیام نور کنگان لو رفتن عملیات والفجرمقدماتی را نتیجه رفتار غلط یک جناح سیاسی خاص می‌داند و به سرزنش این گروه می‌پردازد. (م.ص، ۱۳۹۴/۱۲/۱۶) روایت اگر صحیح و براساس چارچوب هدفمند باشد، مسلماً در مخاطب تأثیر خواهد داشت و نیازی به این‌گونه اظهارات نیست.

۳. اطلاعات نادرست

متأسفانه بعضی راویان به صورت سهوی و ناخواسته و به دلیل تعجیل در بیان کلمات و جملات یا نداشتن اطلاعات کافی، اخبار و اطلاعات نادرست را به مخاطب منتقل می‌کنند. از جمله در یکی از روایت‌های طلائی راوی هنگام اشاره به مقاومت مردمی خرمشهر، تعداد روزهای مقاومت در خرمشهر قبل از اشغال آن را ۴۵ روز عنوان می‌کند که ۳۴ روز صحیح است (ع.ن، ۱۳۹۴/۱۲/۲۱). شاید در وهله نخست به نظر این چند روز چندان مهم نباشد، اما اگر دقیق بنگریم، به مرور اطلاعات آماری غلطی از این دست به تاریخ جنگ آسیب خواهد زد. البته اگر این اطلاعات جزئی و به نظر غیرمهم، دقیق بیان شوند قطعاً بر وزانت روایت نیز می‌افزایند. در روایتی دیگر در جمع کاروان دانشگاه عباس‌پور تهران

آسیب‌شناسی روایت‌گری در یادمان طلائی

پس از شنیدن و بررسی دهها روایت در یادمان طلائی، آسیب‌هایی را که در روایت‌گری یادمان طلائی مطرح شده است، واکاوی می‌کنیم:

۱. برداشت‌های شخصی

بعضاً مشاهده می‌شود که راویان در بخش‌هایی از روایت‌های خود، نقل‌قول‌ها یا حرف‌ها و اقداماتی را به مسئولان یا افراد دیگر نسبت می‌دهند که چنین نقلی در تاریخ انقلاب و جنگ ثبت نشده است و بیشتر به نظر می‌رسد نظر و برداشت شخصی راویان است. مثلاً یکی از راویان لشکر ۳۱ عاشورا در جمع کاروان دانشگاه پیام نور گلستان وقتی در حال توضیح وضعیت نظامی ارتش ایران است، با اشاره به موضوع لغو قرارداد خرید هواپیمای نظامی از سوی دولت موقت در ابتدای انقلاب، از قول مسئولان وقت می‌گوید: «ما اصلاً با کسی دعوا نداریم، هواپیمای نظامی نیاز نداریم» (ر.ص، ۱۳۹۳/۱۲/۲۳). این در حالی است که مسئولان وقت در خصوص لغو قرارداد خرید هواپیما چنین جمله‌ای را مطرح نکرده بودند. بنابراین انتظار این است که حتی‌الامکان در هر روایت تاریخی و به‌ویژه در روایت‌های مربوط به دفاع مقدس، قضاوت‌ها و برداشت‌های شخصی در روایت داخل نشود و روایت، دستخوش کم‌وزیادشدن‌های سلیقه‌ای نگردد و در این صورت است که وقار و مستندبودن روایت حفظ می‌شود. به هر حال این مخاطب است که باید قضاوت کند.



روایت راویان برای کاروان‌های راهیان نور، یادمان شهدای عملیات خیبر در طلاییه، اسفند ۱۳۹۴.

از آمار و ارقام استفاده می‌کنیم باید دقیق و مستند باشد و آمارها براساس تخمین بیان نشود. اختلاف روایت‌ها ممکن است ذهن مخاطب را آشفته کند.

۴. اغراق و مبالغه

آفت عمده دیگر روایت‌گری، مبالغه است. در بسیاری از روایت‌ها به‌ویژه در بخش‌های حماسی، راوی در دام مبالغه می‌افتد. یکی از راویان لشکر ۳۱ عاشورا، وقتی به ماجرای شهادت حمید باکری اشاره می‌کند، به‌صورت غلوآمیزی می‌گوید: «تا حمید باکری زنده بود، دشمن جرئت حمله گسترده را نداشت و به‌محض شهادت ایشان، فشار را زیاد کرد» (ر.ص، ۱۳۹۳/۱۲/۲۳). هرچند شجاعت و ایثار و مقاومت رزمندگان و فرماندهان دلیر ایرانی در دوران جنگ، مثال‌زدنی و کم‌نظیر است، مسلماً دشمن اهداف عملیاتی خود را بر مبنای زمان شهادت فرماندهان شجاع ایرانی قرار نمی‌داده و این‌طور روایت کردن مبالغه‌آمیز است. راوی دیگری

راوی هنگام بحث درباره مقاومت در جزایر، پیام امام مبنی بر حفظ جزایر را نادرست و با اضافات مطرح می‌کند. اصل جمله امام این است که «جزایر باید حفظ شوند»، اما راوی این‌گونه نقل می‌کند که: «سلام مرا به رزمندگان اسلام برسانید. جزایر آبروی اسلام هستند. امروز حفظ جزایر، حفظ اسلام است» (ح.پ، ۱۳۹۳/۱۲/۲۵). این موضوع یعنی نقل قول‌های غلط از امام، یکی از نقاط ضعف عمده روایت‌گری است که راویان باید هرچه بیشتر، اصلاح و دقت در بیان نقل‌ها و گفته‌های تاریخی را مدنظر قرار دهند. تحریفات بزرگ در لایه‌های تاریخی از همین تغییرات ساده و جابه‌جایی واژه‌ها حاصل می‌شود.

برخی از راویان نیز از قول منابع عراقی به بیان آمار و ارقام درباره حجم آتش و بمباران توپخانه دشمن در طلاییه می‌پردازند که در صحت و سقم آنها جای تردید وجود دارد. یکی از راویان، تعداد گلوله‌های دشمن را ۸۰۰ هزار عنوان می‌کند (ح.پ، ۱۳۹۳/۱۲/۲۵) و دیگری تعداد آن را یک میلیون می‌داند (م.ص، ۱۳۹۴/۱۲/۱۶). نتیجه اینکه وقتی

بدن‌هاشان همین‌طوری پاره‌پاره، زیر تیر این شیلیکاها و ضدهوایی‌های دشمن تکه‌تکه شدند، گوشت تن اینها مثل اینکه چرخ شده باشد، قطره‌قطره خون‌هایشان پخش می‌شد روی این بچه‌ها...» (ع، ن، ۱۳۹۴/۱۲/۲۱). این‌گونه روایت کردن معمولاً با خفت و ذلت همراه است و باید اولویت و تأکید راویان بر ترسیم صحنه‌های عزت و عظمت رزمندگان اسلام باشد که با واقعیات جنگ نیز سازگار است.

راوی دیگری در جمع کاروان دانشگاه صنعتی شریف تهران در روایت خود با اشاره به مأموریت لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در طلائی، صحنه شهادت رزمندگان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله^(ص) را که در گل‌ولای منطقه گیر کرده بودند و رزمندگان لشکر ۱۴ مجبور شدند از روی آنها رد شوند، تشریح می‌کند (ا، ه، ۱۳۹۴/۱۲/۲۳). این اخبار و صحنه‌های دلخراش اگر صحیح هم باشند، نقل کردن آنها پسندیده نیست.

۶. نپرداختن به جغرافیا و موضوعات اساسی عملیاتی

در روایت‌های راویان، ضعف و کمبودهای بسیاری در زمینه مباحث نظامی و عملیاتی مشاهده می‌شود. هرچند معتقدیم راوی باید به تناسب نیاز مخاطب در این مقوله صحبت کند، جا دارد راویان در بخش نخست از روایت خود، به جغرافیای منطقه و تشریح مختصر عملیات‌های نظامی بپردازند. مسلماً موضوعات عملیاتی و نظامی به‌ویژه برای مخاطبان جوان جذابیت دارد که به میزان زیادی، کمبود آن در روایت‌ها احساس می‌شود. در واقع سلیقه راویانی که در روایت‌های خود بیشتر به نکات بصیرتی و سیره شهدا می‌پردازند و کمتر به جغرافیای منطقه و جزئیات عملیات خیبر و بدر در منطقه

برای ترسیم وضعیت سخت عملیات خیبر مدعی می‌شود که همه فرماندهان سپاه در طلائی شهید شدند (ج، ک، ۱۳۹۴/۱۲/۱۵). برای نشان دادن وضعیت سخت رزمندگان و فرماندهان در خیبر و بدر، نیازی به بیان این تعابیر اغراق‌آمیز نیست. بعضی راویان نیز به دلیل تأکیدشان بر شخصیتی خاص در دفاع مقدس در دام مبالغه گرفتار می‌شوند. به‌طور مثال دو نفر از (ا، ه، ۱۳۹۴/۱۲/۲۳ و م، ص، ۱۳۹۴/۱۲/۱۶) با تعریف از مجاهدت‌ها و تلاش‌های شهیدعلی هاشمی در عملیات

خیبر، این‌گونه مطرح می‌کنند که موضوع عملیات در هور به پیشنهاد علی‌هاشمی بوده است که این موضوع از نظر تاریخی اشتباه است چرا که موضوع عملیات در هور، کشف محسن رضایی (فرمانده وقت سپاه) بوده و سابقه آن هم به عملیات والفجر مقدماتی برمی‌گردد. بنابراین مبالغه در تعریف‌ها و تمجیدها و یا انتقادها ممکن است واقعیت‌های تاریخی را

یکی از راویان روحانی سیره شهدا در بخشی از یک روایت در طلائی، مقاومت رزمندگان در خط که به پیروزی آنها انجامیده بود، صرفاً با عنوان تقدیر الهی مطرح می‌شود: چند بار اینجا [خط] دست‌به‌دست شد، ولی بالاخره تقدیر این بود که این خاکریز طلائی شکسته نشود.

تحریف کند.

۵. بیان صحنه‌های دلخراش

روایت راویان در راهیان نور باید هدفمند و با دقت و توجه به جنبه‌های معرفتی و حماسی آن باشد. یک راوی روحانی در جمع کاروان خاوران شهرداری تهران در بخشی از یک روایت در طلائی، لحظه شهادت دوستان هم‌رزم خود را این‌گونه برای مخاطبان که دانش‌آموزان دختر بودند، ترسیم می‌کند: «... اینها

۸. تأکید بر جنبه‌های شهود و الهام

در روایت‌های راهیان نور بارها مشاهده شده که راویان به جنبه‌هایی از خواب و الهام درباره شهدا اشاره می‌کنند که در تعارض با واقعیت عینی رخ داده‌است. پرداختن به خواب و الهام به فرض صحت، با وجود این همه مطالب گفته نشده درباره ابعاد مختلف جنگ و سیره شهدا و رزمندگان در روایت راهیان نور ضرورت ندارد. شهودی روایت کردن موجب می‌شود مخاطب با فضایی متفاوت از آنچه اتفاق افتاده است، مواجه شود. فضایی

که در آن حوادث و وقایع دفاع مقدس به زبانی توصیف می‌شود که تحریک احساسات معیار اصلی روایت قرار می‌گیرد. در این نوع نگاه که متأسفانه در بسیاری از راویان رزمنده مشاهده می‌شود، فرد با دنیایی رؤیایی مواجه می‌شود که تنها برای شخص راوی امکان وقوع داشته است و تقریباً دیگران از درک عینی آن محروم‌اند. در طلائی‌ها راویان به صورت مکرر، در خصوص الهام شدن به

یکی از راویان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)؛ موقع عقب‌نشینی، جنازه‌های رزمندگان مانع حرکت چرخ‌های ماشین شده بود. یکی از راویان لشکر ۱۰ سیدالشهدا در سه‌راهی شهادت می‌گوید که همه شهدای دژ طلائی دست‌بسته بوده و بعضی‌ها آنها را زنده دفن کرده‌اند.

شهید حسین خرازی درباره تعویق زمان شهادتش اشاراتی می‌کند (ا. ۱۳۹۴/۱۲/۲۳ و ع. ن، ۱۳۹۴/۱۲/۲۱) که بیان این الهامات در روایت‌ها ضرورت ندارد. یکی از راویان در جمع کاروان دانش‌آموزی فلاورجان برای اثبات قداست خاک طلائی به ماجرای خواب یکی از خادمین در این منطقه استناد می‌کند. (ع. ب، ۱۳۹۴/۱۲/۱۶) به این صورت که شهید همت در خواب این فرد تأکید می‌کند که خاک طلائی مقدس است. به نظر می‌رسد که برای بیان عظمت

طلائی اشاره می‌کنند، با صبغه معنوی و معرفتی شناخته می‌شود. البته باید در بیان و روایت از جنگ تعادل وجود داشته باشد تا مخاطب همه‌جانبه بهره‌بردار و در این صورت است که به معیارهای روایت خوب نزدیک می‌شویم.

۷. کم‌توجهی به جنبه‌های تدبیر و نبوغ رزمندگان

برخی از راویان بارها در روایت خود به جنبه‌های معنوی و معرفتی در دفاع مقدس اشاره می‌کنند که بحق و لازم است، اما در این بین، تأکید بیش از اندازه بر مؤلفه معنویت در دفاع مقدس باعث می‌شود تلاش و نبوغ کم‌نظیر رزمندگان و فرماندهان جوان آن کمتر به چشم بیاید. برای نمونه در بخشی از یک روایت در جمع کاروان خواهران شهرداری تهران در طلائی، مقاومت رزمندگان در خط که به پیروزی آنها انجامیده بود، صرفاً با عنوان تقدیر الهی مطرح می‌شود: «... چند بار اینجا [خط] دست‌به‌دست شد، ولی بالاخره تقدیر این بود که این خاکریز طلائی شکسته نشود...» (ع. ن، ۱۳۹۴/۱۲/۲۱). قطعاً تقدیر الهی تمام‌کننده همه افعال و اعمال است، اما آنچه زمینه‌ساز تقدیرات خیر الهی را فراهم آورده است باید بازگو شود. ابتکار، برنامه‌ریزی، تدبیر، نبوغ و تلاش رزمندگان و جنبه‌های مختلف حضور مخلصانه آنها با ایمان و توکل رزمندگان همراه بوده است. شکی نیست که زبان محدودیت دارد و نمی‌توان به صورت هم‌زمان به همه جنبه‌های دفاع مقدس در روایت پرداخت، اما تلاش راویان باید به سمتی باشد که این اشکالات در روایت‌گری به حداقل برسد. در جایی دیگر تأکید بیش از اندازه راوی بر خواب و رؤیا و ارتباط دادن آنها به عملیات‌ها، سبب می‌شود دفاع مقدس از حوزه انسانی و اسباب و علل خارج شده، جنبه‌های برنامه‌ریزی، فکر، نبوغ و تلاش رزمندگان و فرماندهان در روایت دیده نشود (ج. ک، اسفند ۱۳۹۴/۱۲/۱۵).

از جان دادن به روایت تا روایت جان دادن

نقد و بررسی روایت‌گری در یادمان طلائی

دوران دفاع مقدس را می‌توان با تعبیری لطیف‌تر و مناسب شأن و منزلت آنها بیان کرد. همین اصرار بر گریاندن و اشک‌گرفتن از مخاطب باعث شده است که بعضاً مطالب ضعیف‌السند یا صحنه‌هایی که نباید آشکارا بیان شود، برای گریاندن بیان شود که از آفت‌های روایت‌گری است. راوی دیگری با بیان خواب‌های این و آن با هدف معنوی کردن فضای روایت، در واقع مشغول داستان‌سرایی می‌شود و بدون اینکه متوجه باشد، کشکولی از خواب و رؤیا را برای مخاطبان تعریف می‌کند. انتظار راوی در اینجا مسلماً اشکی شدن روایت است. همین انتظار سبب شده است که چندین خواب را پشت‌سرهم به‌عنوان کرامات شهدا و خانواده‌های‌شان نقل کند (ج.ک، ۱۳۹۴/۱۲/۱۵). یا راوی دیگری در جمع کاروان بسیج محلات محمودآباد که با تشبیه کردن گودال موجود در سه راهی شهادت به گودال قتلگاه در کربلا، به دنبال گریاندن مخاطبین است. (ع.ب، ۱۳۹۳/۱۲/۲۵) اصرار بر چنین دیدگاهی در روایت و تأکید بر خواب، ضمن اینکه سبب می‌شود مخاطب از درک حقیقی دفاع مقدس باز بماند، به وزانت روایت نیز آسیب می‌رساند.

۱۰. روایت و نیاز مخاطب

راوی باید توجه داشته باشد که کدام دسته از وقایع و حوادث جنگ برای مخاطب در قالب روایت، گفتنی است. به‌طور مثال ضرورتی ندارد که در کاروانی که افراد آن خانم‌ها هستند، فقط یا بیشتر، مسائل عملیاتی و نظامی شرح داده شود (م.ص، ۱۳۹۴/۱۲/۱۶). از طرفی راوی باید خلاءها و نیازهای مخاطبین و فضای جامعه خود را بشناسد و متناسب با این نیازها، مباحث معرفتی را به آنها انتقال دهد.

و پაკی این سرزمین می‌توان به شواهدی عینی‌تر استناد کرد. داستان ایمان و ایثار و مردانگی صدها شهید در این منطقه، گواه پاکی و تقدس این سرزمین است که بایستی با هنرمندی در روایت‌ها نقل شوند. در این صورت نیازی به تأکید بر خواب و رویا در روایت‌ها نخواهد بود.

موضوع امدادهای غیبی نیز باید در شرایط خاص و به‌دور از اغراق مطرح شود؛ هرچند بزرگ‌ترین امداد غیبی که راویان باید بر آن تمرکز کنند، ظهور انسان‌هایی در جنگ است که با روح پاک خود و مقاومت جانانه و نشان‌دادن صحنه‌های ایثار و شهادت، در تاریخ ماندگار شدند و الگوی جادوانه‌ای به یادگار گذاشتند.

۹. داستان‌سرایی و تأکید بر گریاندن مخاطب

برخی از راویان، هدف روایت خود را اشک‌گرفتن از زائران قرار داده‌اند. یک رویه غالب در بسیاری از روایت‌های راویان تأکید بر گریاندن مخاطب است. اصرار بر این رویه باعث شده است روایت‌هایی عجیب‌وغریب در راهیان نور پدید آید که مسلماً با شأن و منزلت شهید و شهادت و دفاع مقدس فاصله بسیار دارد. بعضی از راویان برای نشان‌دادن مظلومیت رزمندگان اسلام، اقدام به داستان‌سرایی و توصیفات دون شأن شهدا می‌کنند. یکی از راویان در جمع کاروان شهید صیادشیرازی این‌گونه بیان می‌کند که موقع عقب‌نشینی، جنازه‌های رزمندگان مانع حرکت چرخ‌های ماشین شده بود (م.ا، اسفند ۱۳۹۳/۱۲/۲۴). راوی دیگری در سهراهی شهادت می‌گوید که همه شهدای دژ طلائی دست‌بسته بوده و بعضی‌ها آنها را زنده دفن کرده‌اند (ح.ب، ۱۳۹۳/۱۲/۲۵). باید توجه داشت که روایت راهیان نور برای اثرگذاری بیشتر، نیازی به این‌گونه داستان‌سرایی‌ها و روضه‌های عربان و آشکار ندارد. مظلومیت شهدا در

۱۱. پراکنده‌گویی

و جابه‌جایی مفاهیم و موضوعات در روایت‌ها بیشتر بروز می‌کند. مطالعه برای راویان، ضرورت مبرم و عامل اصلی در روایت منسجم و دقیق برای راهیان نور است. آمارهای غلط و اطلاعات متناقض در روایت‌ها نتیجه مطالعه نکردن و نداشتن دقت در منابع جنگ می‌باشد.

جمع‌بندی

یادمان پلائیة نیز مانند سایر یادمان‌های راهیان نور، ظرفیت‌های زیادی برای روایت‌گری دارد. در این یادمان - همان‌طور که اشاره شد - راویان می‌توانند متناسب با تعداد عملیات‌ها و یگان‌ها و محورهای عملیاتی و حوادث منطقه در طول جنگ و همچنین فرماندهان و شهدای شاخص که در این منطقه به شهادت رسیده‌اند، روایت‌های مختلفی ارائه کنند. با امید به اینکه مباحث طرح‌شده در این نوشتار در زمینه ارتقای روایت‌گری راهیان نور مؤثر واقع شود. البته لازم است متولیان امر هرچه سریع‌تر به‌صورت متمرکز و منسجم، طرحی را فراهم آورند و با بسیج نیروهای فعال و اثرگذار در حوزه روایت‌گری، به کمک این پدیده مهم فرهنگی کشور بشتابند و اقداماتی در جهت نظارت، تقویت، تربیت و مدیریت راوی و روایت‌گری با هدف کم‌کردن آسیب‌های روایت‌گری در راهیان نور انجام دهند.

بی‌توجهی به اینکه راوی مطالب خود را از کجا آغاز کند و چه مطالبی را در روایت خود بگنجاند، از مشکلاتی است که اکثر راویان با آن مواجه‌اند و باعث شده است نوعی درهم‌ریختگی و آشفتگی در روایت و بالطبع در درک مخاطبان به وجود آید. راوی قبل از روایت باید بداند که دقیقاً چه می‌خواهد بگوید. اگر راویان از یک سناریو برای بیان مطالب خود استفاده کنند، می‌توانند این معضل و آشفتگی را حل کنند. راوی باید قبل از روایت، در یک لیست و در قالب یک طرح، مشخص کند که می‌خواهد به چه محورهایی بپردازد و بعد طبق همان طرح، روایت خود را شروع کند. در مجموعه روایت‌های بررسی‌شده پلائیة، روایت‌های آقای حمید پارسا (اسفند ۱۳۹۳) و حجت‌الاسلام نری‌میسا (اسفند ۱۳۹۴) از انسجام بیشتری نسبت به سایر روایت‌ها برخوردار است.

۱۲. اکتفا به خاطرات و حافظه و مطالعه نکردن منابع

یکی از آفت‌های روایت‌گری راهیان نور، بداهه‌گویی درباره جنگ و دفاع مقدس با تکیه بر خاطرات ذهنی راویان است. باید برای راوی اهمیت داشته باشد که چه مطالبی را و از کجا نقل می‌کند. به‌رحال ذهن انسان محدودیت دارد و اگر راوی صرفاً به خاطرات خود اتکا کند، امکان خطا

